

## حاشیه‌ی ظفرنامه، دستنویسی معتبر از شاهنامه

خلیل کهریزی\*

### چکیده

در حاشیه‌ی دو نسخه از *ظفرنامه‌ی* حمدالله مستوفی *شاهنامه‌ی* فردوسی کتابت شده است. نسخه‌ی نخست به تاریخ کتابت ۸۰۷ قمری در کتابخانه‌ی بریتانیا در لندن و دوم که در سال ۸۰۸ قمری کتابت شده، در موزه‌ی هنر اسلامی و ترک استانبول نگهداری می‌شود. نسخه‌ی مورخ ۸۰۷ در سال ۱۳۷۷ خورشیدی در تهران چاپ عکسی شد و اهمیتی نسبی در متن‌شناسی شاهنامه یافت؛ مخصوصاً که پژوهشگران حاشیه‌ی *ظفرنامه‌ی* مورخ ۸۰۷ را همان نسخه‌ای دانستند که حمدالله مستوفی در فاصله‌ی سال‌های ۷۱۴ تا ۷۲۰ تصحیح کرده است. با این حال، تا کنون این دستنویس مورد بررسی و ارزیابی جدی قرار نگرفته است. از همین روی، ما در این جستار دیباچه‌ی *شاهنامه* را در این دستنویس بررسی کردیم و با تصحیح دکتر خالقی مطلق سنجیدیم تا اعتبار نسبی آن، بر اساس این محدوده‌ی بررسی، مشخص شود. این دستنویس از نظر ضبط ابیات در وضعیت تقریباً مطلوبی قرار دارد و تعداد بیت‌های برافزوده‌ی آن خیلی زیاد نیست؛ به شکلی که دیباچه در *شاهنامه‌ی* مصحح دکتر خالقی مطلق ۲۰۹ بیت و در حاشیه‌ی *ظفرنامه* ۲۲۲ بیت است. از نظر ضبط واژه‌ها نیز وضعیت این دستنویس در این بخش مناسب و مطلوب است و اختلاف آن با *شاهنامه‌ی* مصحح خالقی مطلق زیاد نیست. سرنویس‌ها در این دستنویس وضعیت مناسبی ندارند و بسیار آشفته‌اند؛ به شکلی که علاوه بر پس و پیش شدن ابیاتی در پیش و پس سرنویس‌ها، سرنویس ستایش محمود در بردارنده‌ی ستایش امیرک منصور و سرنویس پادشاهی کیومرث در برگیرنده مدح محمود است. با چشم‌پوشی از خطاهای اندکی از این دست و سهوهای گهگاهی کاتب در نقطه‌گذاری، می‌توان حاشیه‌ی *ظفرنامه* را نسخه‌ای پاکیزه و مورد اعتماد از *شاهنامه* دانست که بایسته است در پژوهش‌های متن‌شناختی شاهنامه بیشتر به آن توجه شود.

واژه‌های کلیدی: شاهنامه، حاشیه‌ی ظفرنامه، تصحیح..

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۱۲

kh.kahrizi@gmail.com

\* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی.

## ۱. مقدمه

حمدالله مستوفی، مورخ، جغرافی‌دان و شاعر قرن هشتم هجری را نخستین مصحح شاهنامه می‌دانند. او که منظومه‌ای هفتاد و پنج هزار بیتی به تقلید از شاهنامه‌ی فردوسی به نام *ظفرنامه* دارد، شش سال از عمر خود را از حدود سال ۷۱۴ تا ۷۲۰ ه‍.ق در تصحیح شاهنامه صرف کرده و به گفته خود نسخه‌ای شصت هزار بیتی از آن فراهم آورده است. مستوفی درباره‌ی تصحیح شاهنامه در آغاز *ظفرنامه* سخن رانده و گفته است پیوسته کتاب می‌خواندم و «دلم از کتب جست همواره کام» تا اینکه از شاهنامه بهره‌مند شدم که در صورت و معنی مانند ماء معین و حور عین و رشک خلد برین و برگزیده از سپهر بود؛ اما به دلیل گذر زمان و تصرف دیگران در آن ناهمواری‌هایی روی داده و از همین روی نسخه‌هایی از آن گرد آوردم و به تصحیح آن پرداختم و نسخه‌ای شصت هزار بیتی، آن‌گونه که فردوسی گفته است، فراهم کردم (ر.ک: مستوفی، ۱۳۷۷: ج ۱: ۷). پس از این کار است که دوستانش او را به سرودن منظومه‌ای مانند شاهنامه تشویق می‌کنند و او *ظفرنامه* را در سه بخش اسلامی و احکامی و سلطانی می‌سراید (ر.ک: همان‌جا).

از *ظفرنامه‌ی مستوفی* سه نسخه موجود است که در حاشیه‌ی دو نسخه از آن شاهنامه‌ی فردوسی کتابت شده است. نسخه‌ی مورخ ۸۰۷ هجری که در کتابخانه‌ی بریتانیای لندن نگهداری می‌شود، در سال ۱۳۷۷ خورشیدی در ایران چاپ عکسی شده و همین نسخه است که در پژوهش‌های متن‌شناسانه‌ی شاهنامه محل رجوع است و اصطلاحاً نسخه‌ی حاشیه‌ی *ظفرنامه* نامیده می‌شود. بسیاری از پژوهشگران شاهنامه‌ای را که در حاشیه‌ی این نسخه از *ظفرنامه* نوشته شده است، همان شاهنامه‌ای می‌دانند که مستوفی تصحیح کرده است (ر.ک: ریاحی، ۱۳۹۷: ۲۶۶؛ سودآور، ۱۳۷۴: ۷۵۳؛ جیحونی، ۱۳۸۰: ۸۹؛ متینی، ۱۳۸۳: ۶۰۸؛ همو، ۱۳۸۸: ۲۱۲؛ خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۱۸۶). با این حال همان‌طور که شاپوران (۱۳۹۵: ۳۳) نیز گفته است «در خود نسخه تصریحی بر این موضوع نیست».

نسخه‌ی حاشیه‌ی *ظفرنامه* در پژوهش‌های متن‌شناسی نیز چندان مورد توجه نبوده

است. پیش از همه استاد مجتبی مینوی در تصحیح داستان رستم و سهراب با نشان «حظ» از آن استفاده کرد (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۸). همچنین ایشان در تصحیح «داستان سیاوش (۱۳۵۵ - منتشرشده در ۱۳۶۳) و آقای محمد روشن در تصحیح داستان فرود (۱۳۵۴)، با ذکر نسخه‌بدل‌ها در چاپ دوم (۱۳۶۹) و آقای مهدی قریب در تصحیح داستان بیژن و منیژه (۱۳۷۶) از این نسخه نیز سوده برده‌اند» (جیحونی، ۱۳۸۰: ۸۹). دکتر کزازی نیز در ویرایش خود که با عنوان نامه‌ی باستان منتشر شده است، علاوه بر شاهنامه‌های مصححی مانند چاپ مسکو، خالقی مطلق و ژول مول، در کنار نسخه‌ی فلورانس، از حاشیه‌ی ظفرنامه نیز با نشان «ظ» استفاده کرده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲). از این دستنویس در هیچ یک از ویرایش‌های سه‌گانه‌ی شاهنامه‌ی معروف به چاپ مسکو استفاده نشده و در تصحیح آقای جیحونی نیز مورد استفاده قرار نگرفته است. در تصحیح دکتر خالقی مطلق نیز چندان محل رجوع نبوده و گرچه ایشان در دفترهای هفتم و هشتم شاهنامه آن را در شمار «دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند» آورده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۷: دوازده؛ همان، ج ۸: دوازده)، اما گویی «در عمل احتمالاً چندان به آن دقت نداشته» (شاپوران، ۱۳۹۵: ۳۳). البته این بدان معنا نیست که دکتر خالقی مطلق از این دستنویس غافل بوده است؛ بلکه گزارش‌های ایشان از وضعیّت این دستنویس در پژوهش‌هایشان نشان‌دهنده درنگ ایشان بر دستنویس حاشیه ظفرنامه و بررسی آن است؛ به شکلی که در این باره گفته‌اند: «در بخش‌هایی که نگارنده با دستنویس‌های دیگر سنجیده است، دستنویس مستوفی با دستنویس استانبول مورخ ۷۳۱ خویشاوندی بسیار نزدیک نشان می‌دهد» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹، بخش چهارم: ۱۷۷).

ما در این جستار به بررسی دیباچه‌ی شاهنامه در این نسخه پرداخته‌ایم؛ بدین شکل که پس از خوانش همه‌ی ۲۲۲ بیت دیباچه در این دستنویس، به مقابله‌ی این بخش از دستنویس حاشیه‌ی ظفرنامه با دیباچه‌ی شاهنامه در تصحیح دکتر خالقی مطلق پرداخته‌ایم و اختلافات آن‌ها را به دست داده‌ایم تا بدین شکل اعتبار نسبی حاشیه‌ی ظفرنامه را بسنجیم.

### ۱.۱- پیشینه‌ی پژوهش

پیش از این حاشیه‌ی *ظفرنامه* بیشتر در جنب پژوهش‌های نسخه‌شناختی *شاهنامه* مورد بررسی کوتاه قرار گرفته است. نخستین پژوهشی که به صورت مستقل به بررسی این دستنویس پرداخته است، پژوهش ابوالعلاء سودآور با عنوان «ظفرنامه و شاهنامه‌ی مستوفی» است که در سال هفتم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۳۷۴ در مجله‌ی ایران‌شناسی چاپ شده است. او در این پژوهش علاوه بر بحث درباره‌ی *ظفرنامه* و اهمیت این کتاب در تواریخ پس از آن، به بحث درباره‌ی تصحیح *شاهنامه* به دست مستوفی و وضعیت شاهنامه در حیات سیاسی ایلخانان، با نگاه ویژه به شاهنامه‌ی مصور ایلخانی (دموت) یا «شاهنامه‌ی ابوسعیدی»، پرداخته است (ر.ک: سودآور، ۱۳۷۴).

پس از او مصطفی جیحونی در بخشی از مقدمه‌اش بر *شاهنامه‌ی مصحح* خویش که با عنوان *کتاب صفر منتشر شده*، به بحثی درخور درباره‌ی حمدالله مستوفی و تلاش او برای تصحیح *شاهنامه* پرداخته و در آن مباحث مهمی درباره‌ی نسخه‌ی حاشیه‌ی *ظفرنامه* مطرح کرده که در پژوهش‌های بعدی نیز به آن رجوع شده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۸۹ به جلو). جیحونی در این پژوهش نکاتی نیز درباره‌ی این دستنویس و کاتب آن گفته است: «کاتب هر مصرعی را که دشوار یافته حذف کرده، بی‌آنکه تمامی بیت را حذف کرده باشد و یا هر گاه به واژه‌ای دشوار یا ناخوانا برخورد کرده جای آن را خالی گذاشته است و این روش در کاتبان نسخه‌ها کم یافت می‌شود» (همان: ۹۳). سپس درباره‌ی اهمیت دستنویس حاشیه‌ی *ظفرنامه* گفته است: «به گمان بنده ارزش این نسخه از نسخه‌های مشهور دیگر که در قرن هشتم نوشته شده‌اند، مانند طویقاپوسرای و لنینگراد و حتی قاهره مورخ ۷۴۱ کمتر نیست و باید آن را همسنگ آن‌ها دانست» (همان‌جا).

متینی نیز در مقاله‌ای با عنوان «نخستین تصحیح شاهنامه‌ی فردوسی» که در سال شانزدهم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۳۸۳ مجله‌ی ایران‌شناسی چاپ شده است، در بخش اول مقاله به بحث درباره‌ی تصحیح *شاهنامه* به دست حمدالله مستوفی و اهمیت آن پرداخته

و در بخش دوم نیز نسخه‌ی حاشیه‌ی *ظفرنامه* را در بخشی از دیباچه (۵۸ بیت)، خطبه‌ی داستان رستم و سهراب و بخش‌های آغازین آن داستان (۱۱۸ بیت) و خطبه‌ی داستان رستم و اسفندیار (۱۷ بیت) بر اساس نسخه‌بدل‌های چاپ خالقی مطلق با دیگر نسخ *شاهنامه* تطبیق داده است تا به این پرسش پاسخ دهد: «مستوفی در تصحیح *شاهنامه* از چند نسخه استفاده کرده و کیفیت این نسخه‌ها و تاریخ کتابت آن‌ها چه بوده است» (متینی، ۱۳۸۳: ۶۱۱). همین پژوهشگر در مقاله‌ای دیگر که با عنوان «نخستین و دومین تصحیح شاهنامه از سده‌ی هشتم و نهم هجری (شاهنامه‌ی مستوفی - شاهنامه‌ی بایسنغری)» که در سال دهم، شماره‌ی پانزدهم مجله‌ی نامه‌ی بهارستان چاپ شده است، همان مقاله‌ی پیشین را در بخش مربوط به مستوفی آورده است (ر.ک: متینی، ۱۳۸۸: ۲۱۲ به جلو). از آنجا که نگارنده‌ی مقاله‌ی نامبرده معتقد است که حاشیه‌ی *ظفرنامه* همان نسخه‌ای است که حمدالله مستوفی تصحیح کرده است، به این نتیجه رسیده است که «حمدالله مستوفی در تصحیح *شاهنامه* از نسخه‌های متعددی که البته نه تعداد آن‌ها را می‌دانیم و نه تاریخ کتابتشان را، سود برده است» (متینی، ۱۳۸۳، ۶۲۸) و نسخه‌ی حاصل کار او بیش از هر نسخه‌ای با دو نسخه‌ی لندن ۶۷۵ و استانبول ۷۳۱ خویشاوندی دارد.

علی شاپوران نیز در مقاله‌ای با عنوان «یکسانی ضبط‌های دو نسخه از شاهنامه و نتایج حاصل از آن» که در پاییز و زمستان ۱۳۹۵ در مجله‌ی گزارش میراث چاپ شده است، بخشی را به معرفی دستنویس حاشیه‌ی *ظفرنامه* و نقد بررسی متینی از این دستنویس اختصاص داده و در پایان درباره‌ی پس و پیش شدگی‌های متن در این نسخه از شاهنامه سخن گفته است (ر.ک: شاپوران، ۱۳۹۵: ۳۳ - ۳۴).

## ۲. وضعیت دیباچه‌ی شاهنامه در حاشیه‌ی *ظفرنامه*

اگر بخواهیم در یک تقسیم‌بندی اولیه‌ی دستبردهای این نسخه از *شاهنامه* را به دو دسته بخش کنیم، می‌توانیم از دو نوع دستبرد «درون‌بیتی» و «برون‌بیتی» نام ببریم. منظور از دستبرد

درون‌بیتی ضبط‌های موجود در هر بیت است که همان‌طور که سال‌ها پیش مرحوم قریب گفته است حاشیه‌ی *ظفرنامه* «به سبب نوعی ویژگی که در ضبط کلمات آن وجود دارد و نیز برخی واریانت‌های منحصر به فرد که در آن هست، و قرینه‌هایی چند، اصالت آن‌ها را تأیید می‌کند، اعتبارش در بخش‌های دیگر شاهنامه بسی بیشتر از رده‌ی فعلی است» (قریب، به نقل از متینی، ۱۳۸۳: ۶۱۱). از همین روی است که دکتر کزازی نیز گفته است «این برنوشته با برنوشته‌ی فلورانس همانندی‌های بسیار دارد و از این روی برنوشته‌ای نژاده شمرده می‌تواند شد» (فردوسی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲).

این دستنویس از منظر دستبردهای برون‌بیتی، یعنی افتادگی یا پس و پیش شدن ابیات، در چارچوب کلی متن نیز وضعیت تقریباً مطلوبی دارد؛ اما در این باره نباید از وضعیت نامساعد سرنویس‌ها غافل بود؛ به شکلی که گاه بیت‌هایی که در ذیل یک سرنویس آمده است، هیچ ارتباطی با آن سرنویس ندارند؛ چنان‌که سرنویس مدح سلطان محمود در بردارنده‌ی ستایش امیرک منصور است و سرنویس پادشاهی کیومرث بیت‌های مربوط به مدح محمود و اطرافیانش را در بر دارد.

نکته‌ی مهمی که درباره‌ی این دستنویس نباید نادیده گرفته شود، این است که در نسخه‌ای که در اختیار نگارنده‌ی سطور است و چاپ عکسی از روی نسخه‌ی اصلی است، صفحه‌ی ۱۱ و ۱۲ باید به پس از صفحه‌ی ۵ و ۶ منتقل شود. به دیگر سخن، ظاهراً در زمان تجلید این نسخه صفحه‌ای که در بر دارنده‌ی ادامه‌ی «آفرینش آفتاب و ماه»، «ستایش پیغمبر» و ماجرای «فراهم آوردن شاهنامه‌ی ابومنصوری» است، در میانه‌ی داستان پادشاهی هوشنگ قرار گرفته است. این سهو، به کاتب این نسخه ربطی ندارد؛ زیرا اگر سهو از سوی کاتب می‌بود، می‌بایست، *ظفرنامه* که متن اصلی این دستنویس است، مشکل نمی‌داشت و فقط حاشیه که شاهنامه است، دچار پس و پیش شدن ابیات می‌شد؛ در حالی که در متن *ظفرنامه* نیز سرنویس «در آفرینش انسان» و «در نعت سیدالمرسلین...» که قاعدتاً باید پس از سرنویس «در آفرینش کاینات» قرار بگیرد و رشته‌ی کلام نیز همین را نشان می‌دهد، پس

از سرنویس «در شرح نسب بعضی قبایل عرب و عجم» آمده و در اینجا نیز موجب انقطاع کلام شده است. بنابراین، کاتب این دستنویس هم متن و هم حاشیه را درست و به ترتیب نوشته است؛ اما آنکه کتاب را جلد کرده است، دچار این سهو شده است.

در این دستنویس «آغاز شاهنامه»، «ستایش خرد» و «آفرینش عالم» در پنجاه و شش بیت، بدون سرنویس و پشت سر هم، آمده‌اند. اولین سرنویس این دستنویس «در آفریدن آدمیان» است که پانزده بیت دارد و در آن بیت‌هایی از ستایش پیغمبر که در دستنویس‌های دیگر آمده، به پایان این بخش وصله شده و به «آفریدن آفتاب و ماه و غیره» که سرنویس دوم و شامل یازده بیت است، پیوند خورده است. ادامه‌ی سرنویس آفریدن آفتاب و ماه و بیت‌های مربوط به سرنویس‌های «در نعت سیدالمرسلین محمد رسول الله علیه السلام» و «فراهم آوردن شاهنامه» در پنجاه و شش بیت در میانه‌ی پادشاهی هوشنگ قرار گرفته‌اند. از همین روی سرنویس پنجم این دستنویس «داستان دقیقی شاعر» با سیزده بیت است. سرنویس ششم «داستان امیر ابومنصور» در چهارده بیت است که نه بیت آن داستان دوستِ مهربان و پنج بیت پایانی این سرنویس درباره‌ی پسر ابومنصور است، نه خود ابومنصور. ادامه‌ی ستایش پسر ابومنصور به سرنویس «در ستایش سلطان محمود رحمه الله علیه» که هفتمین سرنویس دستنویس حاشیه‌ی ظفرنامه است، انتقال یافته و هشت بیت دارد که سراسر درباره‌ی امیرک منصور است. آخرین سرنویس دیباچه‌ی شاهنامه در دستنویس حاشیه‌ی ظفرنامه «پادشاهی کیومرث سی سال بود» است که در پنجاه بیت به ستایش سلطان محمود، برادرش و سپهدار طوس اختصاص یافته است.

در ادامه دیباچه‌ی شاهنامه را بر اساس حاشیه‌ی ظفرنامه نقل می‌کنیم و با به دست دادن اختلافات آن با چاپ دکتر خالقی مطلق، سعی می‌کنیم اعتبار نسبی این دستنویس را، بر اساس دیباچه، مشخص کنیم. در مواردی که متن ناخوانا یا مخدوش بوده است، بر اساس چاپ دکتر خالقی مطلق متن را اصلاح کرده‌ایم و بخش برافزوده را در درون چنگک شک نهاده‌ایم.

## ۲.۱ - آغاز شاهنامه

این بخش که در حاشیه‌ی *نظرنامه* پنجاه و شش بیت است، سرنویس ندارد؛ اما در چاپ استاد خالقی مطلق پس از بخش آغازین در ذیل سرنویس‌های «گفتار اندر ستایش خرد» و «گفتار اندر وصف آفرینش عالم» در پنجاه و نه بیت آمده است.

۱. به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

۲. خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی‌ده<sup>۱</sup> رهنمای

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).

۱. خالقی: روزی‌ده و (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳).

۳. خداوند کیهان<sup>۲</sup> و گردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مهر

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).

۲. خالقی: کیوان (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳).

۴. [ز نام] و نشان و گمان برتراست نگارنده برشده گوهرست

۵. ز<sup>۳</sup> بینندگان آفریننده را نیننی مرنجان دو بیننده را

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲)

۳. خالقی: به (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳).

۶. نیابد بدو نیز اندیشه راه<sup>۴</sup> که او برتر از نام و از جایگاه

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).

۴. خالقی: نه اندیشه یابد بدو نیز راه (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳).

۷. سخن هرچه‌زین گوهران بگذرد نیابد بدو راه جان و خرد

۸. خرد گر سخن برگزینده‌می همان را گزینده<sup>۵</sup> که بینده‌می

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).

۵. خالقی: ستاید (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳).

۹. ستودن‌ندان‌دکس‌اورا چوه‌ست میان بندگی را ببايدت بست



۱۰. خرد را و جان راهمی سنجداو در اندیشه‌ی [سخته] کی گنجد او  
 ۱۱. بدین آلت و رای و جای و زبان ستود آفریننده را کی توان  
 ۱۲. به هستیش باید که خستوشوی ز گفتار و پیکار<sup>۶</sup> یکسو شوی  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).
۶. خالقی: گفتار بیکار (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳).
۱۳. پرستنده باشی و جوینده راه به ژر[فی] به فرمانش کردن نگاه  
 ۱۴. توانا بود هرکه دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود  
 ۱۵. ازین پرده برترسخن گاه نیست ز هستی مر اندیشه را راه نیست  
 ۱۶. چو معلوم شد هستی کردگار دگر خاطر خویش رنجه مدار<sup>۷</sup>  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).
۷. بیت شانزدهم در متن خالقی نیست و بر اساس نسخه‌بدل‌های چاپ او در دستنویس‌های لندن و پاریس نیز آمده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴). در این چاپ سرنویس «گفتار اندر ستایش خرد» با بیت زیر آغاز می‌شود.
۱۷. کنون ای خردمند و صف<sup>۸</sup> خرد بدین جایگه گفتن اندر خورد  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).
۸. خالقی: ارج (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴)
۱۸. کنون تا چه داری بیار از خرد که گوش ستاینده زو بر خورد<sup>۹</sup>  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).
۹. این بیت در متن خالقی نیست و بر اساس نسخه‌بدل‌های چاپ او در دستنویس‌های استانبول، پاریس، آکسفورد، لندن ۲، بریتانیا نیز آمده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴).
۱۹. خرد بهتر از هرچه ایزد داد ستایش خرد را به از راه داد  
 ۲۰. خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیر [د به هر دو] سرای

۲۱. ازو شادمانی و زو فرهیست<sup>۱۰</sup> و زو هم فزونی<sup>۱۱</sup> و هم زو کمیست  
(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).
۱۰. خالقی: زویت غمیست ۱۱. و زویت فزونی (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴).
۲۲. خرد تیره و مرد روشن روان نباشد همی شادمان یک زمان  
۲۳. چه گفت آن خردمند<sup>۱۲</sup> مرد<sup>۱۳</sup> خرد که دانا ز گفتار او بر خورد  
(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).
۱۲. خالقی: سخنگوی ۱۳. خالقی: مرد از (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴).
۲۴. کسی کو خرد را ندارد ز<sup>۱۴</sup> پیش دلش گردد از کرده خویش ریش  
۲۵. هشیوار دیوانه خواند ترا<sup>۱۵</sup> همان خویش بیگانه خواند ترا<sup>۱۶</sup>  
(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲).
۱۴. خالقی: به؛ ۱۵. خالقی: ورا؛ ۱۶. خالقی: داند (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴).
۲۶. ازویی به هردو سرای ارجمند [گسسته] خرد پای دارد به بند  
۲۷. خرد چشم جان است چون بنگری تو<sup>۱۷</sup> بی چشم شادان جهان نسپری  
۲۸. نخست آفرینش خرد را شناس نگهبان جان است و آن سه پاس  
۲۹. سه پاس تو گوشست و چشم و زبان<sup>۱۸</sup> کزین سه رسد نیک و بد بی گمان  
(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳).
۱۷. خالقی: که؛ ۱۸. خالقی: سه پاس تو چشم ست و گوش و زبان (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵).
۳۰. خرد را و جان را که داند ستود و گر من ستایم که یارد شنود  
۳۱. حکیم اچوکس نیست گفتن چه سود ازین پس بگو کافر [ینش چه بود]  
۳۲. توی کرده کردگار جهان نبینی<sup>۱۹</sup> همی آشکار و نهان  
۳۳. به گفتار<sup>۲۰</sup> داندگان راه جوی به گیتی بیوی و به هرکس بگوی  
۳۴. ز هر دانشی چون سخن بشنوی از<sup>۲۱</sup> آموختن یک زمان نغنوی

۳۵. چو دیدار یابی به شاخ سخن بدانی که دانش که افکند بن

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج: ۱، ۳).

۱۹. خالقی: ندانی؛ ۲۰. خالقی: به دانش ز؛ ۲۱. خالقی: ز (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج: ۱، ۵).

در چاپ دکتر خالقی مطلق، در اینجا سرنویس «گفتار اندر وصف آفرینش عالم» آمده است.

۳۶. از آغاز باید که دانی درست سر مایه‌ی گوهران از نخست

۳۷. که یزدان ز ناچیز چیز آفرید بدان تا توانایی آمد پدید

۳۸. وزو مایه‌ گوهر آمد چهار برآورده بی رنج و بی روزگار

۳۹. یکی آتش برشده تابناک میان آب و باد از بر تیره خاک

۴۰. نخستین که آتش ز جنبش دمید ز گرمیش بس خشکی آمد پدید

۴۱. وزان پس از آرام سردی نمود ز سردی همان باز تری نمود

۴۲. چو این چار گوهر بجای آمدند ز بهر سپنجی سرای آمدند

۴۳. گهرها یک اندر دگر ساخته<sup>۲۲</sup> ز هر گونه<sup>۳۳</sup> گرد[ن] برافراخته<sup>۲۴</sup>

۴۴. پدید آمد این گنبد تیزرو شگفتی نماینده‌ی نوبنو

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج: ۱، ۳).

۲۲. خالقی: ساختند؛ ۲۳. خالقی: دگر گونه؛ ۲۴. خالقی: برافراختند (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج: ۱، ۶).

۴۵. ابرده و دو هفت شد کدخدای گرفتند هریک سزاوار جای<sup>۲۵</sup>

۴۶. درو بخشش و داد آمد پدید<sup>۲۶</sup> بینخشید داننده هر چون<sup>۲۷</sup> سزید

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج: ۱، ۳).

۲۵. در چاپ خالقی مطلق این دو بیت جابه‌جا شده‌اند؛ ۲۶. خالقی: درو ده و دو برج آمد پدید؛ ۲۷.

خالقی: چونان (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج: ۱، ۶).

۴۷. فلک‌ها یک اندر دگر بسته شد بجنبید چون کار پیوسته شد

۴۸. چو دریا و چون کوه و چون دشت و راغ زمین شد بکردار روشن چراغ

۴۹. ببالید کوه آب‌ها بردمید سر رستنی سوی [بالا کشید]  
 ۵۰. زمین را بلندی نبد جایگاه یکی مرکزی تیره بود و سیاه  
 ۵۱. ستاره به سر بر شگفتنی نمود به خاک اندرون روشنایی فزود  
 ۵۲. همی برشد آتش<sup>۲۸</sup> فرود آمد آب همی‌گشت گرد زمین آفتاب  
 ۵۳. گیا رست با چند گونه درخت به زیر اندر آمد سرانشان ز بخت  
 ۵۴. ببالد ندارد جزین نیرویی نپوید چو پویندگان هر سوئی<sup>۲۹</sup>  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳).

۲۸. خالقی: آب؛ ۲۹. پس از این در چاپ دکتر خالقی مطلق سه بیت آمده است که بر اساس نسخه‌بدل‌های ایشان دستنویس‌های استانبول، لنینگراد، قاهره ۲، آکسفورد، بریتانیا بیت اول را ندارند. دستنویس‌های استانبول، لنینگراد، قاهره ۲، لیدن، پاریس، آکسفورد، بریتانیا نیز بیت دوم و دستنویس‌های استانبول، لنینگراد، قاهره ۲، پاریس، واتیکان، آکسفورد، بریتانیا بیت سوم را ندارند. آن بیت‌ها بر پایه‌ی چاپ دکتر خالقی مطلق چنینند:

- از آن پس چو جنبنده آمد پدید همه رُستنی زیر خویش آورید  
 سرش زیر نامد بسان درخت نگه کرد باید بدین کار، سخت  
 خور و خواب و آرام جویدهمی وزان زندگی کام جویدهمی  
 (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۷).

۵۵. نه گویا زبان و نه جويا خرد ز خار و ز خاشاک تن<sup>۳۰</sup> پرورد  
 ۵۶. [ندانند] بد و نیک و<sup>۳۱</sup> فرجام کار نخواهد ازو بندگی کردگار  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴).

۳۰. خالقی: ز خاشاک‌ها خویشتن؛ ۳۱. خالقی: < و > (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۷).

## ۲.۲- در آفرینش آدمیان

این سرنویس که در حاشیه‌ی *ظفرنامه* پانزده بیت است، در چاپ دکتر خالقی مطلق در شانزده بیت و در ذیل سرنویس «گفتار اندر آفرینش مردمان» آمده است. دو بیت آغازین ذیل این سرنویس در حاشیه‌ی *ظفرنامه*، که پس از این می‌آیند، در تصحیح دکتر خالقی مطلق پیش از سرنویس آمده‌اند.

۱. چو دانا توانا بد و دادگر ازیرا نکرد ایچ پنهان هنر
  ۲. چنین است فرجام کار جهان نداند کسی آشکار و نهان
  ۳. کزین بگذری مردم آمد پدید شد این بندها را سراسر کلید
  ۴. سرش راست برشد چو سرو بلند به گفتار خوب و خرد کاربند
  ۵. پذیرنده هوش و رای و خرد مر او را دد و دام فرمان برد
  ۶. ز راه خرد بنگری اندکی که معنی مردم چه باشد یکی
  ۷. مگر مردمی خیره دانی<sup>۱</sup> همی جز این هم<sup>۲</sup> نشانی ندانی همی
  ۸. ترا از دو گیتی برآورده‌اند به چندین میانجی بیورده‌اند
  ۹. نخستینت فطرت<sup>۳</sup> پسینت شمار تو این<sup>۴</sup> خویشان را به بازی مدار
  ۱۰. شنیدم ز دانا دگرگون ازین چه دانیم راز جهان آفرین
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴).

۱. خالقی: خوانی؛ ۲. خالقی: را؛ ۳. خالقی: فکرت؛ ۴. خالقی: مر (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۷).

۱۱. نگه کن سرانجام خود را ببین که کاری نیایی ازین بر<sup>۵</sup> گزین
  ۱۲. به رنج اندر آری تنت را رواست که خود رنج بردن به دانش سزاست<sup>۶</sup>
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴).

۵. خالقی: بروبر؛ ۶. این دو بیت در تصحیح دکتر خالقی مطلق در میان چنگک شک به متن برده شده‌اند و در یادداشت‌های شاهنامه درباره‌ی آن‌ها چنین گفته‌اند: «بیت‌های ۶۸ و ۶۹ را ما نه از این روی در میان چنگک شک نشانده‌ایم که آن‌ها را افزوده‌ی دیگران می‌دانیم؛ بلکه از این روی

که جای آن‌ها در اینجا نیست. به گمان نگارنده بیت ۷۰ دنبالهٔ بیت ۶۷ است و جای بیت‌های ۶۸ و ۶۹ پیش از بیت ۹۰ است، یعنی قطعهٔ گفتار اندر ستایش پیغمبر در واقع در اصل با این دو بیت آغاز می‌گشته است» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹، بخش یکم: ۱۶). از همین روی، این دو بیت در ویرایش دوم تصحیح دکتر خالقی مطلق، معروف به چاپ سخن، به آغاز «گفتار اندر ستایش پیغامبر» انتقال یافته‌اند (ر.ک: فردوسی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴).

۱۳. چو خواهی که یابی ز هر بدرها سر اندر نیاری به دام بلا

۱۴. تویی<sup>۷</sup> در دو گیتی ز بد رستگار نکونام باشی<sup>۸</sup> بر کردگار

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴).

۷. خالقی: بُوی (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۹).

این دو بیت مربوط به بخش ستایش پیغمبر هستند و به اشتباه در اینجا آمده‌اند. البته این آشفتگی منحصر به دستنویس حاشیه‌ی ظفرنامه نیست و در بعضی دیگر از دستنویس‌ها نیز روی داده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸). خالقی مطلق مسأله‌ی این دو بیت را با دو بیتی که پیش از این درباره‌ی آن‌ها سخن گفتیم، مرتبط می‌داند و این آشفتگی‌ها را معلولِ زدنِ ابیات «گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه» در نگارش دوم شاهنامه می‌داند و در این باره چنین می‌گوید: «این قطعه و به ویژه بخش پایانی آن که در بیت‌های ۷۸ و ۸۳ دارای الف اطلاقی است و سبک سخن نیز نسبت به قطعات دیگر چندان استوار نیست و در برخی از بیت‌های آن نشانه‌های سستی دیده می‌شود، از کارهای جوانی سراینده بوده، ولی گویا آن را در نگارش دوم کتاب زده بوده است؛ چنان‌که مثلاً بیت‌های ۷۰ - ۸۹ در ف نیامده است. بنابراین این بیت‌ها در برخی از دستنویس‌های کتاب بوده و در برخی نبوده است. ولی سپستر صاحبان دستنویس‌هایی که این بیت‌ها را در دستنویس خود نداشته بوده‌اند، آن‌ها را از روی دستنویس‌های دیگر گرفته و به کنارهٔ دستنویس خود افزوده بوده‌اند. سپس که کاتبان این گونه دستنویس‌ها را اساس کتابت قرار داده‌اند، هنگام انتقال بیت‌های کناره به متن دچار سهو گردیده‌اند و به جای آنکه آن‌ها را پس از بیت ۶۷ به متن ببرند، پس از

بیت‌های ۶۸ و ۶۹ برده‌اند و در نتیجه این دو بیت اخیر از جای اصلی خود بیرون رفته‌اند. آنچه این گمان را نیرو می‌دهد، این است که چنان‌که در پی‌نویس ۱ صفحه‌ی ۱۰ می‌توان دید، در بسیاری از دستنویس‌ها برخی از بیت‌های ۹۰ - ۹۴، هم میان بیت‌های ۶۷ - ۷۰ آمده‌اند و هم در جای خود» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹، بخش یکم: ۱۶).

۱۵. نگه کن بدین گنبد تیزگرد که درمان ازویست و زویست درد

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴).

این بیت در حاشیه‌ی *ظفرنامه* بیتِ پایانیِ سرنویسِ پیشین است؛ اما در چاپ خالقی مطلق پنج بیت دیگر نیز پس از این بیت آمده و پس از آن سرنویس «گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه» آمده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸).

۸ خالقی: نکوکار گردی.

## ۲. ۳- در آفریدن آفتاب و ماه و غیره

در حاشیه‌ی *ظفرنامه* در ذیل این سرنویس بیست و دو بیت آمده است که پنج بیت آن در بردارنده‌ی نظرِ ده‌ریون است و دو بیت پایانی آن نیز در واقع با ستایش پیغمبر پیوند دارد.

۱. نه گشت زمانه بفرسایدش نه آن رنج و تیمار بگزایدش

۲. نه [از جنبش] آرام گیردهمی نه [چون] ما تباهی پذیردهمی

۳. ازومان فزونی و هم زو<sup>۱</sup> نهار بد و نیک نزدیک او آشکار

۴. ز یاقوت سرخست چرخ کبود نه از آب و باد و نه از گرد و دود

۵. به چندین فروغ و به چندین چراغ بیاراسته چون به نوروز باغ

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴).

۱. خالقی: زو هم. در چاپ دکتر خالقی مطلق «گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه» با بیت زیر آغاز می‌شود.

۶. روان اندرو<sup>۲</sup> گوهر دل فروز  
 ۷. که هر بامدادی چو زرین سپر  
 ۸. زمین پوشد از نور پیراهنا  
 ۹. چو از مشرق اوسوی مغرب<sup>۳</sup> کشد  
 ۱۰. بگیرند<sup>۴</sup> بر<sup>۵</sup> یکدگر ره<sup>۶</sup> گذر  
 از و روشنایی گرفتست روز  
 ز مشرق برآرد فروزنده سر  
 شود تیره گیتی بدو روشنا  
 ز مشرق شب تیره سر برکشد  
 نباشند ازین یک روش را سیر<sup>۷</sup>  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴).

۲. خالقی: اندران؛ ۳. خالقی: خاور؛ ۴. خالقی: نگیرند؛ ۵. خالقی: مر؛ ۶. خالقی: را؛ ۷. خالقی: زاستر (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸).

۱۱. ایا آنکِ تو آفتابی همی  
 ۱۲. چراغست مر تیره شب را بسیج  
 ۱۳. چو سی روز گردش بپیمایدا  
 ۱۴. پدید آید آنگاه باریک و زرد  
 ۱۵. چو بیننده دیدارش از دور دید  
 ۱۶. دگر شب نمایش کند بیشتر  
 ۱۷. به دو هفته گردد تمام و درست  
 ۱۸. بود هر شب آنگاه باریکتر  
 ۱۹. بدین سان نهادش خداوند داد  
 ۲۰. ترا دانش و<sup>۹</sup> دین رهاند درست  
 ۲۱. اگر دل<sup>۱۰</sup> نخواهی که باشد نژند  
 چه بودت که بر ما<sup>۸</sup> نتابی همی  
 به بد تا توانی تو هرگز میبچ  
 دو روز و دو شب روی نمایدا  
 چو پشت کسی کو غم عشق خورد  
 هم اندر زمان او شود ناپدید  
 ترا روشنایی دهد بیشتر  
 بدان بازگردد که بود از نخست  
 به خورشید تابنده نزدیکتر  
 بود تا بود هم برین یک نهاد  
 در رستگاری ببایدت جست  
 نخواهی که دایم بوی<sup>۱۱</sup> مستمند  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱).

خالقی: من؛ ۹. خالقی: <و>؛ ۱۰. خالقی: دلت گر؛ ۱۱. همان تا نگردي تن. در تصحیح دکتر خالقی مطلق دو بیت پایانی سرنویس بالا در آغاز ستایش پیغمبر آمده‌اند (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۹).



## ۲. ۴- در نعت سید المرسلین محمد رسول الله علیه السلام

مجموع بیت‌هایی که در حاشیه‌ی ظفرنامه در ذیل این سرنویس آمده است، بیست و پنج بیت است. در تصحیح دکتر خالقی مطلق علاوه بر دو بیت پایانی سرنویس پیشین، دو بیت دیگر نیز در این بخش آمده‌اند، که آن دو بیت چنین است: «چو خواهی که یابی ز هر بد رها / سر اندر نیاری به دام بلا؛ بوی در دو گیتی ز بد رستگار / نکوکار گردی بر کردگار. این دو بیت پیش از این در حاشیه‌ی ظفرنامه در ذیل سرنویس «در آفرینش آدمیان» آمده بودند (ر.ک: مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴). بر پایه‌ی نسخه‌بدل‌های تصحیح دکتر خالقی مطلق تنها دستنویسی که مانند حاشیه‌ی ظفرنامه بیت اول را در اینجا ندارد، دستنویس قاهره است. بر اساس همان گزارش دستنویس‌های فلورانس، استانبول، لنینگراد، قاهره ۲، لیدن نیز بیت دوم را در اینجا ندارند (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۹).

- |                                 |   |
|---------------------------------|---|
| ۱. به گفتار پیغمبرت راه جوی     | دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی                |
| ۲. چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی | خداوند امر و خداوند نهی                   |
| ۳. که خورشید بعد از رسولان مه   | نتابید بر کس ز بویکر به                   |
| ۴. عمر کرد اسلام را آشکار       | بیاراست گیتی چو باغ بهار                  |
| ۵. پس از هر دوان بود عثمان گزین | خداوند شرم و خداوند دین                   |
| ۶. چهارم علی بود جفت بتول       | که او را به حق می‌ستاید رسول <sup>۱</sup> |
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱).

۱. از بیت سوم تا بیت ششم در تصحیح دکتر خالقی مطلق نیامده است. دستنویس‌هایی که مانند حاشیه‌ی ظفرنامه این بیت‌ها را به شاهنامه الحاق کرده‌اند، عبارتند از فلورانس، لنینگراد، قاهره ۲، آکسفورد، بریتانیا (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۰).

- |  |  |
|--|--|
| ۷. که من شهر علمم <sup>۲</sup> علیم درست | درست این سخن قول <sup>۳</sup> پیغمبرست |
| ۸. گواهی دهم کین سخن راز اوست            | تو گویی دو گوشم بر آواز اوست           |
| ۹. منم بنده اهل بیت نبی                  | ستاینده خاک پای وصی <sup>۴</sup>       |
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱).

۲. خالقی: شارستانم؛ ۳. خالقی: گفت؛ ۴. این بیت که در تصحیح دکتر خالقی مطلق افزوده تشخیص داده شده است، در دستنویس‌های لندن، استانبول، لنینگراد، قاهره ۲، لیدن، پاریس، آکسفورد، لندن ۲، بریتانیا، قاهره نیز آمده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۰).

- |                                  |                                       |
|----------------------------------|---------------------------------------|
| ۱۰. حکیم این جهان را چو دریانهاد | برانگیخته موج ازو تندباد              |
| ۱۱. چو هفتاد کشتی برو ساخته      | همه بادبان‌ها برافراخته               |
| ۱۲. یکی پهن کشتی بسان عروس       | بیاراسته همچو چشم خروس                |
| ۱۳. محمّد بدو اندرون با علی      | همان اهل بیت نبی و وصی                |
| ۱۴. خردمند کز دور دریا بدید      | کرانه نه پیدا و بن ناپدید             |
| ۱۵. بدانست کو موج خواهد زد       | کس از غرق بیرون نخواهد شدن            |
| ۱۶. به دل گفت اگر با نبی و وصی   | شوم غرقه دارم دو یار وفی              |
| ۱۷. همانا که باشد مرا دستگیر     | خداوند تاج و لوا و سریر               |
| ۱۸. خداوند جوی و می و انگبین     | همان چشمه شیر و ماء معین <sup>۵</sup> |
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱-۱۲).

۵. از بیت ۱۴ تا بیت ۱۸ در تصحیح دکتر خالقی به زیر خط رفته‌اند. دستنویس‌هایی که مانند حاشیه‌ی *ظفرنامه* این بیت‌ها را دارند، عبارتند از فلورانس، بریتانیا، لندن ۳، لنینگراد ۲، استانبول ۲ (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۰).

- |                                |  |
|--------------------------------|--|
| ۱۹. اگر چشم داری به دیگر سرای  | بنزد نبی و وصی گیر جای                 |
| ۲۰. گرت زین بد آید گناه منست   | چنین است و این دین و راه منست          |
| ۲۱. برین زادم و هم برین بگذرم  | چنان دان که خاک پی حیدرم               |
| ۲۲. هر آنس که در دلش بغض علیست | ازو زارتر در جهان زار کیست             |
| ۲۳. دلت گر به راه خطا مایلیست  | ترا دشمن اندر جهان خود دلست            |
| ۲۴. نباشد جز از [بی پدر] دشمنش | که یزدان به آتش بسوزد تشش <sup>۶</sup> |
| ۲۵. نگر تا نداری به بازی جهان  | نه برگردی از نیک پی هم‌رهان            |
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲).

۶. از بیت ۲۲ تا ۲۴ در تصحیح دکتر خالقی مطلق به زیرخط رفته و افزوده دانسته شده است. دستنویس‌هایی که مانند حاشیه‌ی ظفرنامه بیت ۲۲ را دارند عبارتند از فلورانس، قاهره. دستنویس‌هایی که بیت ۲۳ را دارند عبارتند از فلورانس، استانبول، لندن ۲، لندن ۳، لنینگراد ۲، استانبول ۲، لندن، بریتانیا. دستنویس‌هایی که بیت ۲۴ را دارند عبارتند از لندن، استانبول، لنینگراد، قاهره ۲، پاریس، واتیکان، آکسفورد، لندن ۲، بریتانیا (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱).

## ۲. ۵- فراهم آوردن شاهنامه

در ذیل این سرنویس در حاشیه‌ی ظفرنامه بیست بیت آمده است که دو بیت آغازین آن در تصحیح خالقی مطلق در پایان بخش ستایش پیغمبر آمده است.

۱. همه نیکیت باید آغاز کرد      چو با نیک نامان بوی هم‌نبرد
  ۲. ازین در سخن چند رانم همی      همانا کرانش<sup>۱</sup> ندانم همی
  ۳. سخن هرچه گویم همه گفته‌اند      بر باغ دانش همه رفته‌اند
  ۴. اگر بر درخت برومند جای      نیابم که از بر شدن نیست پای
  ۵. کسی کو شود زیر نخل بلند      همان سایه زو بازدارد گزند<sup>۲</sup>
  ۶. توانم مگر پایگه ساختن      ابر<sup>۳</sup> شاخ آن سرو سایه‌فکن
  ۷. برین<sup>۴</sup> نامه‌ی نامور<sup>۵</sup> شهریار      به گفتن بمانم<sup>۶</sup> یکی یادگار
  ۸. تو این را دروغ و فسانه مدان      روشن زمانه بیکسان مدان
  ۹. ازو هرچه اندر خورد با خرد      دگر بر ره رمز معنی برد
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲).

۱. خالقی: همانش کرانه؛ ۲. این بیت و بیت پس از آن در چاپ دکتر خالقی پس و پیش در متن قرار داده شده‌اند؛ ۳. بر؛ ۴. خالقی: ازین؛ ۵. نامور نامه‌ی؛ ۶. خالقی: بمانم به گیتی (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۱).

۹. یکی نامه بود از گه باستان فراوان بدو اندرون داستان  
 ۱۰. پراکنده در دست هر موبدی ازو بهره‌ای نزد هر بخردی  
 ۱۱. یکی پهلوان بود دهقان نژاد دلیر و بزرگ و خردمند و راد  
 ۱۲. پژوهنده‌ی روزگار نخست گذشته سخن‌ها همه بازجست  
 ۱۳. زهرکشوری مهتری<sup>۷</sup> سالخورده بیاورد و این<sup>۸</sup> نامه را یاد<sup>۹</sup> کرد  
 ۱۴. برسیدشان از کیان جهان از آن<sup>۱۰</sup> نامداران<sup>۱۱</sup> فرخ مهان  
 ۱۵. که گیتی به آغاز چون داشتند که ایدر<sup>۱۲</sup> به ما خوار بگذاشتند  
 ۱۶. چگونه برآمد به نیک‌اختری بریشان همی<sup>۱۳</sup> روز کندآوری  
 ۱۷. بگفتند پیشش یکایک مهان سخن‌های شاهان و گشت جهان  
 ۱۸. چوبشنیدازایشان سپهدسخن یکی نامور نامه افکند بن  
 ۱۹. چنین یادگاری شد اندر جهان برو آفرین از کهان و مهان  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲).

۷. خالقی: موبدی؛ ۸. خالقی: کین؛ ۹. خالقی: گرد؛ ۱۰. خالقی: وزان؛ ۱۱. خالقی: نامداران و؛  
 ۱۲. خالقی: ایدون؛ ۱۳. خالقی: بر آن (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۲).  
 ۲۰. چو از دفتر این داستان‌ها بسی همی خواند خواننده بر هر کسی  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵).

#### ۴- داستان دقیقی شاعر

این بخش در حاشیه‌ی ظفرنامه سیزده بیت است که چهار بیت پایانی آن در چاپ خالقی مطلق در ذیل سرنویس «گفتار اندر داستان دوست مهربان» آمده است.

۱. جهان دل نهاده برین داستان همان بخردان و جا<sup>۱۴</sup>؟  
 ۲. جوانی بیامد گشاده‌زبان سخن گفتنی خوب و طبعی روان  
 ۳. به نظم<sup>۲</sup> آرم این نامه را گفت من ازو شادمان شد دل انجمن  
 ۴. جوانیش را خوی بد یار بود همه ساله با بد به پیکار بود

۵. برو تاختن کرد ناگاه مرگ      نهادش به سر بر یکی تیره ترگ<sup>۲</sup>  
 ۶. بدان خوی بد جان شیرین بداد      نبود از جهان دلش یک روز شاد  
 ۷. یکایک ازو بخت برگشته شد      به دست یکی بنده بر کشته شد  
 ۸. برفت او و این نامه ناگفته ماند      چنان بخت بیدار او خفته ماند

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج: ۱، ۵).

۱. خالقی: همان بخردان نیز و هم راستان. این بیت در تصحیح دکتر خالقی مطلق در چنگک شک نهاده شده است. از بین دستنویس‌های اساس کار ایشان فلورانس و قاهره این بیت را ندارند؛ ۲. خالقی: شعر؛ ۳. در چاپ دکتر خالقی مطلق این بیت و بیت پس از آن جابه‌جا آمده‌اند (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج: ۱، ۱۳).

۹. الهی عفو کن گناه ورا      بیفزای در حشر جاه ورا  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج: ۱، ۵).

این بیت که از بین دستنویس‌های اساس کار دکتر خالقی فقط در لندن و بریتانیا آمده است، در این تصحیح از شاهنامه به زیر خط رفته است.

۱۰. دل روشن من چو برگشت ازوی      سوی تخت شاه جهان کرد روی  
 ۱۱. که آن نامه را دست پیش آورم      به پیوند گفتار خویش آورم  
 ۱۲. پرسیدم از هر کسی بی‌شمار      بترسیدم از گردش روزگار  
 ۱۳. مگر خود درنگم نباشد بسی      نباید سپردن به دیگر کسی  
 (مستوفی، ۱۳۷۷، ج: ۱، ۵).

۴. خالقی: این؛ ۵. خالقی: نباید (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج: ۱، ۱۳).

این چهار بیت در تصحیح دکتر خالقی مطلق در ذیل سرنویس «گفتار اندر داستان دوست مهربان» آمده است. این سرنویس در حاشیه‌ی ظفرنامه وجود ندارد و بیت‌های مربوط به این بخش در ذیل دو سرنویس داستان دقیقی و داستان ابومنصور که سرنویس بعدی است، آمده‌اند (ر.ک: همان‌جا).

## ۲. ۵- داستان امیر ابومنصور

این سرنویس در چهارده بیت دربردارنده‌ی ادامه‌ی داستان دوست مهربان و ستایش امیرک منصور، پسر ابومنصور، است.

۱. و دیگر که گنجم وفادار نیست      همین رنج را کس خریدار نیست
  ۲. ز نیکو سخن به چه اندر جهان      به نزد سخن‌سنج فرخ‌مهان<sup>۱</sup>
  ۳. اگر به نبودی سخن از خدای      به نزدیک ما که بدی رهنمای
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵).

۱. این بیت و بیت پس از آن در تصحیح دکتر خالقی مطلق در متن نیستند و به زیر خط رفته‌اند. دکتر خالقی درباره‌ی دستنویس‌هایی که این بیت‌ها دارند، چنین نوشته است: «ل، س، لن، ق، ۲، لی، ل، ۲، ب پس از بیت ۱۳۹ و پ، و پس از سه بیت بالا دو بیت زیر را افزوده‌اند» (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۴). به مجموعه‌ی نخست باید حاشیه‌ی ظفرنامه را نیز افزود.

۴. به شهرم یکی مهربان دوست بود      تو گفתי که بامن از یک<sup>۲</sup> پوست بود
  ۵. مرا گفت چون آید<sup>۳</sup> این رای تو      به نیکی گراید<sup>۴</sup> همی پای تو
  ۶. نبشته من این نامه‌ی<sup>۵</sup> پهلوی      به پیش تو آرم نگر نغوی
  ۷. گشاده زبان و جوانیت هست      سخن گفتن پهلوانیت هست
  ۸. رو<sup>۶</sup> این نامه‌ی خسروی<sup>۷</sup> بازگوی      بدین جوی نزد مهان آب روی
  ۹. چو آورد این نامه نزدیک من      برافروخت این جان تاریک من<sup>۸</sup>
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵).

۱. خالقی: که بامن تو گفתי؛ ۲. خالقی: هم؛ ۳. خالقی: خوب؛ ۴. خالقی: آمد؛ ۵. خالقی: خرامد؛ ۶. خالقی: دفتر؛ ۷. خالقی: شو؛ ۸. خالقی: خسروان؛ ۹. این بیت در تصحیح دکتر خالقی مطلق در چنگک شک نهاده شده است و بر اساس نسخه‌بدل‌های دکتر خالقی در دستنویس‌ها

چنین وضعیتی دارد: «ف، ق (و نیز س ۲) این بیت را ندارند» (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۴).  
در تصحیح دکتر خالقی مطلق در اینجا سرنویس «گفتار اندر ستایش امیرک منصور» آمده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۴).

- |   |  |
|---|--|
| ۱۰. بدین‌نامه چون دست بردم فراز           | یکی مهتری بود گردن فراز                |
| ۱۱. جوان بود و از گوهر پهلوان             | خردمند و بیدار و روشن روان             |
| ۱۲. خداوند رای و خداوند شرم               | سخن‌گفتنی <sup>۱</sup> خوب و آوای نرم  |
| ۱۳. مرا گفت کز من چه آید <sup>۱</sup> همی | که جانت سخن برگراید همی                |
| ۱۴. به چیزی که باشد مرا دسترس             | ز <sup>۱۲</sup> گیتی نیازت نیارم به کس |
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵-۶).

۱۰. خالقی: گفتنش؛ ۱۱. خالقی: باید؛ ۱۲. خالقی: به (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵).

## ۶.۲- در ستایش سلطان محمود رحمة الله علیه

این بخش که شامل هشت بیت است، ادامه‌ی ستایش امیرک منصور است که پیش از این پنج بیت آن نوشته شد.

- |   |  |
|---|--|
| ۱. همی‌داشتم چون یکی تازه سیب             | که از باد نامد به من بر نهیب                       |
| ۲. به کیوان رسیدم ز خاک نژند              | ازان نیک‌دل نامدار ارجمند <sup>۱</sup>             |
| ۳. سراسر جهان پیش او خوار بود             | جوانمرد بود و وفادار بود                           |
| ۴. چنان <sup>۲</sup> نامور کم شد از انجمن | چو در <sup>۳</sup> باغ سرو سهی در <sup>۳</sup> چمن |
| ۵. نه زو زنده بینم نه مرده نشان           | به دست نهنگان مردم کشان <sup>۴</sup>               |
| ۶. دریغ آن کمر بند و آن گرده‌گاه          | دریغ آن کیی برز و <sup>۵</sup> بالای شاه           |
| ۷. گرفتار و زو دل شده نامید               | نوان لرز لرزان به کردار بید                        |
| ۸. یکی پند آن شاه یاد آورید <sup>۶</sup>  | ز کژی روان سوی داد آورید <sup>۶</sup>              |

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶).

۱. در چاپ دکتر خالقی مطلق پس از این بیت بیت دیگری آمده است که چنین است: به چشمش همان خاک و هم سیم و زر / کریمی بدو یافته زیب و فر. آن گونه که از نسخه‌بدل‌های این چاپ از *شاهنامه* پیداست، این بیت در همه‌ی دستنویس‌های اساس کار مصحح بوده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵). ۲. خالقی: چو آن؛ ۳. خالقی: از؛ ۴. در چاپ خالقی مطلق این بیت و بیت پس از آن جابه‌جا شده‌اند؛ ۵. خالقی: < و >؛ ۶. خالقی: آوریم (ر.ک: همان‌جا).

## ۲.۷- پادشاهی کیومرث سی سال بود

این سرنویس که حتی یکی از ابیات ذیل آن درباره‌ی پادشاهی کیومرث نیست، در پنجاه بیت، سراسر به مدح سلطان محمود و اطرافیانش اختصاص دارد.

۱. مرا گفت کین نامه‌ی شهریار گرت گفته آید به شاهان سپار

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶).

این بیت در چاپ دکتر خالقی مطلق آخرین بیتی است که در ذیل سرنویس «گفتار اندر ستایش امیرک منصور» آمده است.

۲. بدین نامه من دست بردم فراز به نام شهنشاه گردن‌فراز

۳. جهان آفرین تا جهان آفرید چنو مرزبانی نیامد پدید

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶).

۱. خالقی: شهریاری. در چاپ دکتر خالقی مطلق پس از این بیت بیت دیگری آمده است که بر اساس این تصحیح چنین است: خداوند تاج و خداوند تخت / جهاندار و بیدار و پیروزیخت. این بیت در تعدادی از دستنویس‌های اساس تصحیح ایشان نیز نبوده یا پس و پیش شده است. وضعیت این بیت بر اساس گزارش استاد خالقی مطلق در دستنویس‌ها چنین است: «ل، لن، ق، ۲، لی، آ، ل، ۲، ب این بیت را ندارند؛ در ف این بیت پس از بیت ۱۴۷



آمده است؛ در و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در ل ۲ این بیت و بیت سپسین پس از بیت ۲۰۰ آمده‌اند» (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۶).

۴. چو خورشید بنمود بر گاه تاج<sup>۲</sup> زمین شد بکردار تابنده عاج

۵. چه گویی که خورشید تابان که بود ازو در جهان روشنایی فزود<sup>۳</sup>

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶).

۲. خالقی: بر گاه بنمود تاج؛ ۳. این بیت که بر اساس نسخه بدل‌های دکتر خالقی مطلق در دستنویس‌های لندن، لنینگراد، قاهره<sup>۲</sup>، آکسفورد، بریتانیا نیز آمده است، در این تصحیح افزوده دانسته شده و به زیر خط انتقال یافته است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۶).

۶. ابوالقاسم آن شاه پیروزبخت نهاد از بر تاج خورشید تخت

۷. ز خاور بیاراست تا باختر پدید آمد از فرّ او کان زر

۸. مرا اختر خفته بیدار گشت به مغز اندر اندیشه بسیار گشت

۹. بدانست کاندر<sup>۴</sup> زمانه<sup>۵</sup> سخن کنون نو شد<sup>۶</sup> روزگار کهن

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶).

۴. خالقی: کامد؛ ۵. خالقی: زمان؛ ۶. خالقی: شود (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۶).

۱۰. زمانه سراسر پر از جنگ بود به جویندگان بر جهان تنگ بود<sup>۷</sup>

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶).

۷. این بیت، بر پایه‌ی گزارش دکتر خالقی مطلق، در بخش «دوست مهربان» در این دستنویس‌ها نیز آمده است: قاهره، پاریس، واتیکان، فلورانس (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۴).

۱۴). البته در آنجا نیز افزوده تشخیص داده شده و به زیر خط رفته است. به هر حال، بر کنار از افزوده و اصیل پنداشتن این بیت، جای مناسب آن نیز باید همانجا باشد.

۱۱. دل من چون نوراندران تیره شب نخفته گشاده دل [و] بسته لب<sup>۸</sup>

(مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶).

۸. این بیت بر پایه‌ی گزارش دکتر خالقی مطلق در دستنویس‌های قاهره، آکسفورد، بریتانیا،

لنینگراد، قاهره<sup>۲</sup>، لیدن، واتیکان، لندن<sup>۲</sup>، پاریس نیز آمده و در این تصحیح افزوده تشخیص داده شده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۶).

۱۲. بر اندیشه‌ی شهریار زمین      نخفتم<sup>۹</sup> شبی لب پر از آفرین
۱۳. چنان دید روشن روانم بخواب      که رخشنده شمعی برآمد ز آب
۱۴. همه روی گیتی شب لاجورد<sup>۱۰</sup>      از آن شمع گیتی<sup>۱۱</sup> چو یاقوت زرد
۱۵. در و دشت برسان دیبا شدی      یکی تخت پیروزه پیدا شدی
۱۶. نشسته برو شهریاری چو ماه      یکی تاج بر سر بجای کلاه
۱۷. رده برکشیده سپاهش دو میل      [به] دست چپش هفتصد زنده‌پیل
۱۸. یکی پاک دستور پیشش بیای      به داد و به دین شاه را رهنمای
۱۹. مرا خیره گشتی سر از فر شاه      وزان زنده پیلان و چندان سپاه
۲۰. چو آن چهره‌ی خسروان دیدمی      ازان نامداران      پیرسیدمی
۲۱. که این چرخ<sup>۱۲</sup> ماهست یا تاج<sup>۱۳</sup> گاه      ستاره‌ست پیش اندرش یا سپاه
۲۲. یکی گفت کین شاه رومست و هند      ز قنوج تا پیش دریای سند
۲۳. به<sup>۱۳</sup> ایران و توران ورا بنده‌اند      به رای و به فرمان او زنده‌اند
۲۴. بیاراست روی زمین را به داد      بپردخت ازان تاج بر سر نهاد
۲۵. جهاندار محمود شاه بزرگ      به آبشخور آرد همی میش و گرگ
۲۶. ز کشمیر تا پیش دریای چین      برو شهریاران      کنند آفرین
۲۷. چو کودک لب از شیر مادر بشست      ز گهواره محمود گوید نخست
۲۸. تو نیز آفرین کن که گوینده‌یی      بدو نام جاوید      جوینده‌یی
۲۹. چو بیدار گشتم بجستم ز جای      چه مایه شب تیره بودم به پای<sup>۱۴</sup>
۳۰. بران شهریاران<sup>۱۵</sup> آفرین خواندم      نبودم درم جان      برافشاندم
۳۱. به دل گفتم که<sup>۱۶</sup> این خواب راپاسخ است      کاواز او بر جهان فرخ است
۳۲. بران آفرین او<sup>۱۷</sup> کند آفرین      بران بخت بیدار و تاج و نگین

۳۳. ز فرش جهان شد چو باغ بهار  
 هوا پر ز ابر و زمین پر نگار
۳۴. چو<sup>۱۸</sup> ابر اندر آمد به هنگام نم  
 جهان شد بکردار باغ ارم
۳۵. به ایران همه خوبی از داد اوست  
 کجا هست مردم همه یاد اوست
۳۶. به رزم اندرون تیزچنگ ازدهاست  
 به بزم اندرون آسمان وفاست<sup>۱۹</sup>
۳۷. به تن زنده پیل و به جان جبرئیل  
 به کف<sup>۲۰</sup> ابر بهمن به دل رود نیل
۳۸. سر بخت بدخواه با خشم او<sup>۲۱</sup>  
 چو دینار شد خوار بر چشم او<sup>۲۱</sup>
۳۹. نه کندآوری گیرد از تاج و گنج  
 نه دل تیره دارد ز رزم و ز رنج
۴۰. هرآنکس که دارد ز پروردگان  
 از آزاد و ز<sup>۲۲</sup> نیک دل بندگان
۴۱. شهنشاه را سربسر دوستدار  
 به فرمانش بسته کمر استوار<sup>۲۳</sup>
۴۲. نخستین برادرش کهتر بسال  
 که در مردمی کس ندارد همال
۴۳. ز گیتی پرستنده فر نصر  
 زید شاد در سایه فر<sup>۲۴</sup> عصر
۴۴. کسی کش پدر ناصرالدین بود  
 سر<sup>۲۵</sup> تخت او تاج پروین بود
۴۵. و دیگر دلاور سپهدار طوس  
 که در جنگ بر شیر دارد فسوس
۴۶. ببخشد درم هرچه یابد ز دهر  
 همی<sup>۲۶</sup> آفرین خواهد از دهر بهر
۴۷. [به] یزدان بود خلق را رهنمای  
 سر شاه خواهد که باشد به جای
۴۸. جهان بی سر و تاج خسرو مباد  
 همیشه<sup>۲۷</sup> بماناد جاوید و شاد
۴۹. همیشه تن آباد با تاج و تخت  
 ز درد و غم آزاد و پیروزبخت
۵۰. کنون بازگردم به آغاز کار  
 سوی نامور نامه‌ی شهریار
- (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶-۷).

. خالقی: بختم؛ ۱۰. خالقی: لاژورد؛ ۱۱. خالقی: گشتی؛ ۱۲. خالقی: افزوده است «و»؛ ۱۳. خالقی: که؛ ۱۴. پیش از این بیت در تصحیح دکتر خالقی مطلق بیت زیر آمده است: «نیچد کسی سر ز فرمان اوی / نیارد گذشتن ز پیمان اوی» و بر اساس نسخه‌بدل‌های این تصحیح دستنویس‌های لنینگراد، قاهره ۲ و آکسفورد نیز مانند حاشیه‌ی ظفرنامه این بیت را ندارند؛

۱۵. خالقی: شهریار؛ ۱۶. خالقی: < که >؛ ۱۷. خالقی: کو؛ ۱۸. خالقی: ز؛ ۱۹. در تصحیح دکتر خالقی مطلق مصراع‌های این بیت جابه‌جا ثبت شده‌اند؛ ۲۰. خالقی: دست؛ ۲۱. خالقی: اوی؛ ۲۲. خالقی: از؛ ۲۳. در تصحیح دکتر خالقی مطلق بیت دیگری نیز پس از این بیت آمده است که چنین است: «شده هر یکی شاه بر کشوری / روان نامشان بر همه منبری». بر اساس نسخه‌بدل‌های تصحیح دکتر خالقی مطلق، دستنویس‌های لندن، لنینگراد، قاهره، ۲، لیدن، آکسفورد، لندن ۲، بریتانیا نیز این بیت را ندارد (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۸)؛ ۲۴. خالقی: همه؛ ۲۵. خالقی: پی؛ ۲۶. خالقی: همه؛ ۲۷. خالقی: چنین هم (ر.ک: همانجا).

### نتیجه

حاشیه‌ی *ظفرنامه* یکی از دستنویس‌های شناخته‌شده‌ی شاهنامه است که دو دهه پیش در ایران چاپ عکسی شده است؛ اما در پژوهش‌های متن‌شناختی شاهنامه چندان مورد توجه و اقبال نبوده است. ما در این پژوهش کوشیدیم اعتبار نسبی این دستنویس را با سنجش دیباچه‌ی شاهنامه در این دستنویس با شاهنامه‌ی مصحح خالقی مطلق، با درنگی بر نسخه‌بدل‌های آن، نشان دهیم. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که دستنویس حاشیه‌ی *ظفرنامه* در ضبط واژه‌ها جایگاه مطلوب و مناسب و خوبی دارد و از نظر جایگاه ابیات و سلسله کلام و افتادگی و افزودگی‌ها نیز گرچه از دستبرد برکنار نیست؛ اما در این مورد نیز وضعیت تقریباً مناسبی دارد. سرنویس‌های این دستنویس نه تنها عمدتاً ابیاتی از موضوعات پیش یا پس از خود را دارند، بلکه گاه کاملاً نابجا و نادرست آمده‌اند، به شکلی که سرنویس مدح محمود کاملاً در بر دارنده‌ی مدح امیرک منصور و سرنویس پادشاهی کیومرث کاملاً به مدح محمود اختصاص یافته است. علاوه بر این یک جابه‌جایی مهم نیز در این دستنویس روی داده است؛ به شکلی که صفحه‌ی ۱۱ و ۱۲ در چاپ عکسی باید به صفحات ۵ و ۶ منتقل شود. این جابه‌جایی برآمده از سهل‌انگاری کاتب در کتابت نیست؛ بلکه حاصل بی‌دقتی کسی است که این نسخه را تجلید کرده است؛ زیرا در این جابه‌جایی متن *ظفرنامه* نیز مانند شاهنامه جابه‌جا شده است. اگر از این سهوها و افتادگی

و افزودگی‌های اندک این دستنویس که در هر نسخه‌ی دیگر نیز ممکن است دیده شود، چشم‌پوشیم، شاهنامه‌ای که در حاشیه‌ی ظفرنامه‌ی حمدالله مستوفی به تاریخ کتابت ۸۰۷ هجری آمده است، نسخه‌ای پاکیزه، منقح و قابل اعتماد است که باید در پژوهش‌های متن‌شناختی و تصحیح شاهنامه بیش از پیش مورد توجه واقع شود. این پاکیزگی در ضبط واژگان بسیار بیشتر خود را نشان می‌دهد.

### منابع

- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۶). *حماسه (پدیده‌شناسی تطبیقی شعر پهلوانی)*، چاپ اول، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۹). *یادداشت‌های شاهنامه*، چاپ اول، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۹۷). *سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی*، چاپ چهارم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۷۴). «ظفرنامه و شاهنامه‌ی مستوفی»، *بیران‌شناسی*، سال هفتم، شماره‌ی چهارم، زمستان، صص ۷۵۲ - ۷۶۱.
- شاپوران، علی (۱۳۹۵). «یکسانی ضبط‌های دو نسخه از شاهنامه و نتایج حاصل از آن»، *گزارش میراث*، دوره‌ی سوم، سال اول، شماره‌ی سوم و چهارم، پاییز و زمستان، صص ۳۲ - ۴۸.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۰). *شاهنامه*، تصحیح انتقادی، مقدمه‌ی تحلیلی، نکته‌های نویافته: مصطفی جیحونی، چاپ سوم، اصفهان: شاهنامه‌پژوهی.
- (۱۳۸۵). *نامه‌ی باستان (ویرایش و گزارش شاهنامه‌ی فردوسی)*، میرجلال‌الدین کزازی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- (۱۳۸۷). *داستان رستم و سهراب از شاهنامه*، مقدمه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، چاپ اول، تهران: زوآر.

----- (۱۳۸۹). *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، چاپ سوم، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *شاهنامه*، پیراسته‌ی جلال خالقی مطلق، چاپ اول، تهران: سخن.  
متینی، جلال (۱۳۸۳). «نخستین تصحیح شاهنامه‌ی فردوسی»، *ایران‌شناسی*، سال شانزدهم، شماره ۴، زمستان، صص ۶۰۷ - ۶۲۹.

----- (۱۳۸۸). «نخستین و دومین تصحیح شاهنامه از سده‌ی هشتم و نهم هجری»، *نامه‌ی بهارستان*، سال دهم، دفتر پانزدهم، صص ۲۱۱ - ۲۳۰.

مستوفی، حمدالله (۱۳۷۷). *ظفرنامه به انضمام شاهنامه‌ی فردوسی*، چاپ عکسی از روی نسخه‌ی خطی مورخ ۸۰۷ هجری به شماره‌ی ۲۸۳۳. OF. به خط محمود الحسینی، زیر نظر نصرالله پورجوادی و نصرت‌الله رستگار، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.